

امضای توافقنامه امنیتی با امپریالیست ها،

به معنی امضای سند مستعمره بودن رسمی افغانستان است

رژیم نمایشی کابل که تاگلودر فساد و خیانت غرق است برای چهارمین بار "لویه جرگه" را دایر کرده و فتوآلها، ملاها، استخوان مقدس ها، سرمایه داران دلال و خابینین ملی را دعوت کرده تا آمده و خیانت به استقلال ملی و توأمیت ارضی افغانستان را جنبه شرعی بدهند.

اکنون دیده میشود هیاهویی که به بهانه "مبارزه با تروریسم" به راه افتاده بود چه اهدافی را تعقیب میکرده است. امپریالیستها بخاطر شکستاندن روحیه مقاومت جوئی و سلحشوری مردم مانعیت یکدهه را باتشدد و قساوت بر بر منشانه بکشتار و قتلعام دست زدند، عروسی های جوانان ما را بخون کشیدند، شبانه بردهکده های ما تاختند و تمام اهالی یک روستا را به آتش بستند و حتی به حیوانات شان هم رحم نکردند. زندانهای مخوف را در بگرام و گوانتانامو از مردم بی گناه مایر ساختند. بر زندانیان تجاوز کردند و سواپی تجاوز شان بر اطفال بحدی رسید که خودشان شروع کردند به محاکمه سربازان شان تا از تیره گی وحشی گری شان بکاهند. در کنار این بربریت عریان به نفاق ملی تا توانستند امان زدند و خط هائی ملیتی را که احزاب اسلامی جهادی کشیده بودند، تیره تر ساختند. در یک کلام آنها طی یک دهه کوشیدند یک افغانستان برده با مردم برده منش و مزدور خوبی ستون فقرات به وجود آورند. امروز متخصصین جامعه شناسی و خصلت شناسی اجتماعی شان رایی میدهند که در افغانستان در طی این یک دهه بقدر کافی عناصری غیرت و لاشخوار میهن فروش تربیه شده و روحیه سلحشوری و آزادیخواهی شدیداً ضربه خورده است. آزادیخواهی فقط در وجدان خلق باقی مانده که آنهم نمیتواند بدون رهبری آزادی خواه انقلابی کاری را از پیش ببرد. به همین دلیل آنها جرائم میکنند بگویند ما هرگز از همه بیداد و ویرانگری هائیکه در حق مردم افغانستان انجام داده ایم معذرت نمیخواهیم (مرآجه شود به سخنرانی سوزان رایس سخنگوی قصر سفید).

آنها و مزدوران بیعارشان به اندازه ای گستاخ شده اند که عوامل شان را دعوت میکنند که بیایند و سند بردگی خلق سلحشور افغانستان را مهر شرعی بکوبند. در کشوری که پارلمان و مجلس سنا وجود دارد، لویه جرگه چه صبغه قانونی میتواند داشته باشد؟

امپریالیستهای غربی تحت قیادت امپریالیزم امریکا از نظر سیاسی به افغانستان بمثابة با اهمیت ترین منطقه استراتژیک در آسیا نیاز دارند. از اینجامیتوان هند، چین و ایران را پیوسته تحت نظر نگه داشت. نفوذ استراتژیک روسیه را بر آسیای وسطی تغییر داد و روسیه را کماکان در بین آب های یخ زده قطب شمال و مرزهای تحت نفوذ امپریالیستهای غربی نگه داشت. معنی این مسئله اینست که معاهده استراتژیک ادامه جنگ، نا آرامی و عدم امنیت را در افغانستان برای ده هاسال آینده تضمین میکند.

امپریالیست ها از نظر اقتصادی به افغانستان به مثابه گلوگاه عبور انرژی آسیای وسطی به هندوچین و آسیای جنوبی شدیداً نیاز دارند. از جانب دیگر این سرزمین نقش عبورگاه شریان حیاتی اقتصادی آسیای وسطی و جمهوریت های سابق اتحادشوروی می باشد. با در اختیار داشتن افغانستان طی یک معاهده استراتژیک، میتوان نبض اقتصاد و اداری و صادراتی کشورهای آسیای میانه را در دست داشته و صدور نفت و گاز روسیه به چین و کوریا را تحت کنترل خود نگه داشت.

هیئت حاکمه و خائنین ملی افغانستان اکنون دیگر هیچ راه برگشتی ندارند. در طی تقریباً یک دهه آنها بیشتر از هر خاین و میهن فروش دیگر در تاریخ این سرزمین به خیانت، دزدی، قاچاقبری، چپاول و آدم ربائی دست زده اند. با هر کاخ مجلی که بنا ساخته اند، در گرداب خیانت و فساد عمیق تر غرق شده اند.

به این صورت خلق افغانستان مجبور شده است که برای یک نبرد طولانی ولی سرنوشت ساز تاریخی آماده شود. چنین نبردی همانگونه که نبردهای طولانی خلق کبیر این سرزمین را علیه استعمار انگلیس و سوسیال-امپریالیزم شوروی رها ن ساخت، بدون شک این بار نیز بدون رهبری حزب کمونیست و هژمونی خط پرولتری رها نخواهد ساخت.

مائویست های افغانستان به تمام مارکسیست-لنینیست-مائویست های کشور، سازمانهای انقلابی حقیقی و افراد انقلابی که عقیده دارند بدون سلاح استراتژیک مبارزه (حزب کمونیست افغانستان) نمیتوان به نبرد استراتژیک رفت متواضعانه خاطر نشان می سازند که با جدیت بیشتر و پیشبرد مبارزه سیاسی-ایدئولوژیک سالم و سازنده فاصله های شان را کوچکتر ساخته و هر چه سریعتر بسوی تشکیل حزب کمونیست واحد افغانستان حرکت کنند.

رفقا!

امپریالیست ها و مرتجعین میهن فروش یکبار دیگر ما را عملدرآزمایشگاه تاریخ قرار داده اند. ما دو انتخاب داریم: نخست اینکه مانند ساما، سازمان رهائی و سازمان انقلابی افغانستان به خائنین ملی و پارلمان فرمایشی آنها بیبوندیم و احزاب پارلمانی تشکیل داده از طریق زدوبندهای پشت پرده پروژه ها و قرار دادهای میلیونی اعماری، تجارتي، نشراتی و رسانه ای را گرفته و روبروی خلق اسیر، گرسنه و بیکار و مریض زندگی مجلل برای خود بسازیم. چنین کاری مشکل نیست و اکنون امپریالیستها برابر دیروز به کسانی نیاز دارند که "چندواژه سیاسی را بلد بوده" و حاضر باشند که مخالفین امپریالیزم و ارتجاع را "فحش بدهند و ناسزا بگویند". اینکار مایه دیگری غیر از بدور انداختن وجدان انسانی و پرورش روحیه خیانت بخلق چیز دیگری نمیخواهد. در این صورت زنان ما هم با روسای جمهور کشورهای امپریالیستی، آسیا و دیپلومات های افریقائی آشنا میشوند، "مدال های" رخشنده آنها را بگردن شان می آویزند و مطبوعات خارجی از آنها به حیث "زن" قهرمان یاد میکنند.

انتخاب دوم اینست که خرده کاری و خود مرکز بینی، خود بزرگ نگری و روحیه سکتاریستی را به دور انداخته و برای نجات خود مارکسیزم-لنینیزم-مائویزم را معیار قرار داده و در راه تاسیس حزب کمونیست و احاد افغانستان مبارزه کنیم. بدون مبارزه با اپورتونیزم ساما (ادامه دهندگان) و سازمان انقلابی افغانستان و سازمان رهائی افغانستان هیچ مبارزه ای نمیتواند به تاسیس حزب کمونیست افغانستان

برسد. بدون چنین مبارزه هرگز نمیتوان از مبارزه مسلحانه و غیرمسلحانه علیه امپریالیزم و اشغال افغانستان صحبت با "معنی" انجام داد. "بدون مبارزه با پورتونیزم، مبارزه با امپریالیزم ممکن نیست". شالوده مقاومت علیه امپریالیزم و ارتجاع بر خاکستر اپورتونیزم و رویونیوم قرار میگردد.

نابود باد امپریالیست های اشغالگر و جاسوسان "چپ نمای آنها"

نابود مرتجعین میهنفروش و سخن چینان خارج نشین آنها

ننگ و نفرین تاریخ بر میهنفروشان، سازشکاران و تسلیم طلبان

ننگ و نفرین باد بر تسلیم شده پیشین و تسلیم طلبان کنونی

مأویست های افغانستان

30 عقرب 1392